

جان باختن ۲ کارگر ساختمانی زیر دیوار بتنی



محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

طی ۲ روز گذشته ۲ حادثه در مشهد رخ داد که متأسفانه منجر به فوت ۴ کارگر شد. حادثه روز دوشنبه در جاده سیمان، جان یک پدر و پسر افغانستانی مقنی را حین حفر چاه گرفت و آتش‌نشانان پیگر این افراد را از ته چاه بیرون کشیدند.

دیروز نیز حادثه مشابهی کیلومترها دور تر از جاده سیمان در بولوار قاضی طباطبایی مشهد، رخ داد، جایی که کارگران ساختمانی به منظور ساخت یک ساختمان جدید، مأمور شده بودند تا سازه قدیمی این بنا را تخریب کنند.

عملیات از صبح زود شروع شد و کارگران کلنگ به دست، با ضربات پی‌درپی به قصد تخریب ساختمان قدیمی کارشان را آغاز کردند. وجود یک دیواره سنگین بتنی پیش روی کارگران، کار را به کندی پیش می‌برد. آن‌ها برای از پیش رو برداشتن این دیو سیمانی دست به ابزار تخریب شدند، غافل از اینکه استفاده از این وسایل پیشرفته نیاز به آموزش دارد.

خورشید هر چه در آسمان بالاتر می‌رفت، حجم تخریب نیز بیشتر می‌شد تا جایی که نزدیکی‌های ظهر آنچه نباید می‌شد، اتفاق افتاد و همان دیواره بتنی که احتمالا پایه آن از پایین شل شده بود، ناگهان روی سر چند کارگر فرو ریخت. گرد و خاک ناشی از این تخریب ناگهانی که فرونشست، سایر افراد حاضر در کارگاه ساختمانی متوجه غیبت چند نفر از کارگران شدند، کارگرانی که زیر آوار این دیوار گرفتار شده بودند.

کمک‌خواهی سایر کارگران و مدیران پروژه از آتش‌نشانی مشهد، عوامل امداد و نجات ۱۳ ایستگاه آتش‌نشانی مشهد را به عمق چند متری این کارگاه ساختمانی کشاند.

با حضور آتش‌نشانان و نجاتگران در محل حادثه مشخص شد، دیواره بتنی در این پروژه به دلیل بی‌احتیاطی کارگران به یکباره بر روی آنان ریزش کرده است. در پی آن یک کارگر پنجاه ساله در دم فوت کرد و یک کارگر سی ساله از ناحیه پا مجروح و زیر آوار گرفتار شد.

آتش‌نشانان با استفاده از تجهیزات ویژه اقدام به بیرون کشیدن کارگر مصدوم و آوار برداری کردند که جسد کارگر دیگر نیز کشف شد. کارگر مصدوم پس از انتقال به سطح خیابان برای مداوا تحویل تکسین‌های اورژانس شد.

علت دقیق این حادثه از سوی کارشناسان در دست بررسی است. جسد دو کارگر نیز تحویل عوامل انتظامی حاضر در صحنه شد.

دومینوی سقوط سلاطین به سلطان سوخت رسید

از سال‌های گذشته که قاچاقچیان و محتکران دانه‌درشت با عنوان سلطان شناخته می‌شوند، هر روز دومینوی سقوط آن‌ها سرعت بیشتری می‌گیرد. مثلاً هنوز دو هفته از گذشته شدن پرونده برای سلطان خودرو نگذشته که این بار سلطان سوخت دستگیر می‌شود. فردی که با همکاری خانواده خود در یک سال گذشته توانسته ۱۰۰ میلیون لیتر سوخت را بدون اینکه هیچ ناظری به‌او حتی مشکوک شود از کشور قاچاق کند.

بر اساس اظهارات سردار مقیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی نیروی انتظامی، پلیس در پیگیری این پرونده به سرنخ‌هایی دست می‌یابد که بر مبنای آن برخی از شرکت‌های مجاز صادرات مشتقات نفتی و حلال‌های سوخت اقدام به قاچاق سوخت یارانه‌ای می‌کردند.

در رصد این شرکت‌ها، کارشناسان پلیس امنیت اقتصادی به یک شرکت خانوادگی می‌رسند که تنها در ۶ ماه دوم سال گذشته ۱۰۰ میلیون لیتر سوخت قاچاق کرده بودند. با کشف این جرائم ۶ عضو اصلی این باند خانوادگی دستگیر و در جریان پیگیری این پرونده ۱۵ عضو دیگر شناسایی و دستگیر شدند. کارشناسان در ادامه رسیدگی به این پرونده متوجه شدند که تعدادی از جایگاه‌داران سوخت نیز در شکل‌گیری این اقدامات مجرمانه نقش داشته‌اند و اعضای این باند با استفاده از کارت‌های سوخت اجاره‌ای، اعمال مجرمانه خود را دنبال می‌کرده‌اند.

بیشترین میزان فعالیت اعضای این باند در استان‌های خراسان رضوی، تهران و مرکزی بوده است.

اعزام هیئت ویژه بنیادشهید در پی خودشوزی یک جانباز

روز دوشنبه گذشته جهاتگیر آزادی، جانباز ۱۵۰درصد کرمانشاهی به دلایل نامعلومی مقابل اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران این استان اقدام به خودشوزی کرد. با وجود انتقال مصدوم به بیمارستان این فرد جان خود را از دست داد. این اقدام به نوعی اولین چالش جدی پیش روی سعید اوحدی، رئیس بنیادشهید و امور ایثارگران کشور است.

طبق آنچه روابط عمومی بنیاد شهید اعلام کرده است طی ۳ ماه اخیر حتی یک مورد فوتی‌بین زندانیان سراسر کشور به دلیل کرونا گزارش نشده است.

رئیس بنیادشهید، بر پیگیری موضوع تا حصول نتیجه و تشخیص علل اصلی این واقعه ناگوار و برخورد با مقصران احتمالی تأکید کرده است.

زورگیری در خیابان؛ جیب‌بری در اتوبوس

پلیس مشهد طی ۳ عملیات ضربتی ۷ زن و مردی که عامل ده‌ها فقره سرقت بودند رادستگیر کرد



زنی جوان بود نقش اصلی این فیلم را بر عهده داشت. چهره این زن سارق با مشخصات سارقان سابقه‌دار تطبیق داده شد و سرانجام سرخی به دست آمد که مشخص شد او از مجرمان سابقه‌دار است.

مأموران او و خواهرش رادستگیر کردند و وقتی دو زن سارق به کلانتری بانوان منتقل شدند، مشخص شد که آن‌ها عامل جیب‌بری‌های اتوبوس‌های بی‌آر.تی هم هستند. از این دو خواهر بیست‌ودو و سی‌ودو ساله که هر دو سوابق کیفری دارند ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان وجه نقد سرتی، ۲ گوشی تلفن همراه درزی، ۲ کیف زنانه و مدارک هویتی مربوط به چند زن سارق

دست آخر ۷ متهم که ۴ نفر از آن‌ها زن و ۳ نفر هم مرد هستند تسلیم قانون شده و برای رسیدن به سزای عملشان به زندان افتادند. جانشین فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی روز گذشته درباره پرونده این متهمان گفت که احتمال افزایش سرقت‌های مجرمان دستگیر شده وجود دارد و تحقیقات پلیس برای شناسایی دیگر همدستان این افراد ادامه دارد.

سردار ابراهیم قربان‌زاده سهل‌انگاری و بی‌توجهی شهروندان به توصیه‌های پیشگیرانه از وقوع سرقت را عامل اصلی بروز این ناهنجاری‌های اجتماعی معرفی کرد و گفت: گرچه این موارد زشتی عمل دست‌درازی به مال و اموال مردم را توجیه نمی‌کند و نتیجه‌ای هم در کاهش میزان محکومیت سارقان ندارد اما نکته حائز اهمیت در این گونه جرائم همکاری مردم با پلیس است که می‌تواند زمینه ارتکاب جرم را کاهش دهد. شهروندان بداندن قطع دسترسی بزه‌کاران به بستر جرم، عامل کاهش کج‌رفتاری‌های اجتماعی خواهد بود.

مقاومتی اعتراف کرده و راز سرقت‌هایشان را برملا کردند. مأموران هم در بازرسی از آن‌ها ۶ دستگاه گوشی تلفن همراه مسروقه، مبلغ ۷ میلیون و ۸۰۹ هزار تومان پول نقد درزی به همراه چند کیف زنانه و مدارک هویتی را کشف کردند. در ادامه تحقیقات این پرونده هم مشخص شد که دخترچه همراه سارقان از بستگان یکی از آن‌هاست و این افراد برای رد گم‌کنی این طفل را با خود همراه می‌کرده‌اند. برداشت سوم

راننده اتوبوس وقتی فهمید که کیف یکی از مسافرانش را ربوده‌اند بدون اینکه کسی را پیاده کند در کنار خیابان ایستاد و موضوع را به پلیس اعلام کرد. کیف مال‌یخته‌تر یکی از صندلی‌ها پیدا شد اما شبیه به گردوی کرم خورده‌ای بود که به غیر از پوسته ضخیمش چیزی نداشت. مدارک هویتی زن جوان به همراه کارت‌های بانکی و پول‌هایش به تاراج رفته بود و حالا پلیس بود و تعدادی مسافر که نمی‌شد به آن‌ها رجسب زد.

پرونده این سرقت تشکیل شد و تحقیقاتی هم از چند فرد مشکوک به عمل آمد اما دزدان رفته بودند. این چندمین گزارش جیب‌بری بود که در مسیر خط بی‌آر.تی اتفاق می‌افتاد و مأموران ۱۱۰ هر بار به درسته می‌خوردند. مأموران کلانتری بانوان مشهد مسئول به نتیجه رساندن این پرونده شدند. باید هر طور بود به این سرقت‌ها پایان می‌دادند تا اینکه گزارش سرقت در یکی از مجتمع‌های تجاری هسته مرکزی شهر و شناسایی یکی از سارقان که زنی جوان بوده تیم بررسی کننده این پرونده را به محل کشاند.

دوربین‌های مدار بسته این مرکز خرید لحظه سرقت از یک زن را ثبت کرده بودند و سارق که پیش یک باند جیب‌بری حرفه‌ای را متلاشی کردند که همین مرد مسافرکش با عاملان آن همکاری داشت. همدمش هم بعد از ساعتی در همان سوئیت در حالی که می‌خواست فرار کند دستگیر شد. هر دو تاکتو به ۷۰ فقره زورگیری، موبایل‌قاپی و سرقت تنها در دوهفته‌ای که به مشهد آمده‌اند اعتراف کردند. سرقت‌هایی که خدا می‌داند حین ارتکابش تاکتو سر چند نفر را خنوب و تن چند نفر را هم زخمی کرده‌اند. با این حال پرونده سارقان جنوبی به دادسرا منتقل شد و خودشان هم راهی زندان شدند.

برداشت دوم

طبق وعده‌شان، قرار بود جوانکی هر روز صبح دنبالش بیاید و آن‌ها را به هفده شهر ببرد. ظهر هم آن‌ها را برگرداند. پول خوبی گیرش می‌آمد. شک برده بود به آن‌ها ولی خروجی زندگی را باید درمی‌آورد. پلیس خودرواش را در همان حوالی میدان هفده شهر پور توقیف کرد و به کلانتری امام رضا(ع) انتقال داد.

مدعی بود که پلیس اشتباهی دستگیرش کرده‌است. آن‌ها چند روز پیش در خیابان آزادی مشهد مردی را زده بودند و موتورش را ربوده بودند. زمانی پلیس به محل رسیده بود که متهمان با موتور دردی گریخته بودند. شاکی اما از ناحیه سرجراحی عمیق و خون‌ریزی شدید داشت و مردم دورش حلقه زده بودند.

شاکی در همان لحظه اولیه به پلیس گفته بود که دو مرد جوان به او حمله کرده و با یک شیء که نمی‌دانست جاقو بوده یا قهقه با جوب به سرش ضربه‌ای زده و موتورش را ربوده‌اند. هنوز زمانی از این سرقت نگذشته بود و می‌شد قبل از اینکه سارقان در عمق شهر محو شوند، آن‌ها را به دام انداخت.

طرح مهار آغاز شد و چند نفر از مأموران کلانتری بانوان مشهد اما چند روز

کلانتری آیکوهم پایشان به این پرونده باز شد. پایش پلیسی آغاز شده بود که رد موتور شاکی در یکی از خیابان‌ها زده شد. سارقان موتور دردی را با سرعت می‌رانند. باید هر طور بود از دید خارج می‌شدند تا آب‌ها از آسیاب بیفتد ولی بخت با آن‌ها یار نبود و مأموران سر رسیدند. مثل گاو اسپانیایی که در معرکه سرنیزه‌ها پرده قرمز دیده باشد، بی‌محبا یا موتور در کوچه و پس کوچه می‌تاختند و هر که سرهاشان بود را شاخ می‌زدند. گویا موتورسیکلت هم دوست داشت تادو جوان یاغی را زمین‌بزند. در یک لحظه تعادل موتور از دستشان خارج شد و هر دو زمین خوردند. یکی از آن‌ها ولی قصد ماندن در صحنه را نداشت و فرار کرد. دیگری توان بلند شدن برایش نمانده بود برای همین خودش را تسلیم قانون کرد.

در کلانتری ابتدا حرف نمی‌زد اما سرانجام مقرر آمد و دوستش را لو داد. می‌گفت به تا‌زگی از یکی از شهرهای جنوبی کشور به مشهد آمده و همدستش هم بعد از ساعتی در همان سوئیت در حالی که می‌خواست فرار کند دستگیر شد. هر دو تاکتو به ۷۰ فقره زورگیری، موبایل‌قاپی و سرقت تنها در دوهفته‌ای که به مشهد آمده‌اند اعتراف کردند. سرقت‌هایی که خدا می‌داند حین ارتکابش تاکتو سر چند نفر را خنوب و تن چند نفر را هم زخمی کرده‌اند. با این حال پرونده سارقان جنوبی به دادسرا منتقل شد و خودشان هم راهی زندان شدند.

برداشت سوم

طبق وعده‌شان، قرار بود جوانکی هر روز صبح دنبالش بیاید و آن‌ها را به هفده شهر ببرد. ظهر هم آن‌ها را برگرداند. پول خوبی گیرش می‌آمد. شک برده بود به آن‌ها ولی خروجی زندگی را باید درمی‌آورد. پلیس خودرواش را در همان حوالی میدان هفده شهر پور توقیف کرد و به کلانتری امام رضا(ع) انتقال داد.

مدعی بود که پلیس اشتباهی دستگیرش کرده‌است. آن‌ها چند روز پیش در خیابان آزادی مشهد مردی را زده بودند و موتورش را ربوده بودند. زمانی پلیس به محل رسیده بود که متهمان با موتور دردی گریخته بودند. شاکی اما از ناحیه سرجراحی عمیق و خون‌ریزی شدید داشت و مردم دورش حلقه زده بودند.

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

از لهجه‌شان پیدا بود خراسانی نیستند. یکی‌شان ۲۰ سال داشت و دیگری هم ۲۸ سال. دوهفته‌ای می‌شد که به مشهد آمده بودند. اگر با موتور زمین نمی‌خوردند خدا می‌دانست که گوش چند نفر دیگر را می‌پریند. هر کدامشان دیگری را مسئول می‌دانست و می‌گفت به خواسته او یاغی‌گری کرده‌است. چشم‌در چشم جوانی که سرش را باندپیچی کرده بود قرار گرفتند. مرد انگشتش را به سمت یکی‌شان گرفت و به افسر پلیسی که در کنارش ایستاده بود گفت: «خودش است. بگو باچی به سرم کوبیدی نا.»

جوانک اما سرش پایین بود و مثل کسی که با دریل می‌خواهد زمین را سوراخ کند، چشم‌انش را به کف سالن کلانتری میخ کرده بود. بدون اینکه پلکی‌ده باشد مدام آن‌ها را زیر و درشت می‌کرد. همدستش اما سر و صدا به راه انداخته و مدعی بود که پلیس اشتباهی دستگیرش کرده‌است.

آن‌ها چند روز پیش در خیابان آزادی مشهد مردی را زده بودند و موتورش را ربوده بودند. زمانی پلیس به محل رسیده بود که متهمان با موتور دردی گریخته بودند. شاکی اما از ناحیه سرجراحی عمیق و خون‌ریزی شدید داشت و مردم دورش حلقه زده بودند.

شاکی در همان لحظه اولیه به پلیس گفته بود که دو مرد جوان به او حمله کرده و با یک شیء که نمی‌دانست جاقو بوده یا قهقه با جوب به سرش ضربه‌ای زده و موتورش را ربوده‌اند. هنوز زمانی از این سرقت نگذشته بود و می‌شد قبل از اینکه سارقان در عمق شهر محو شوند، آن‌ها را به دام انداخت.

طرح مهار آغاز شد و چند نفر از مأموران کلانتری بانوان مشهد اما چند روز

کلانتری آیکوهم پایشان به این پرونده باز شد. پایش پلیسی آغاز شده بود که رد موتور شاکی در یکی از خیابان‌ها زده شد. سارقان موتور دردی را با سرعت می‌رانند. باید هر طور بود از دید خارج می‌شدند تا آب‌ها از آسیاب بیفتد ولی بخت با آن‌ها یار نبود و مأموران سر رسیدند. مثل گاو اسپانیایی که در معرکه سرنیزه‌ها پرده قرمز دیده باشد، بی‌محبا یا موتور در کوچه و پس کوچه می‌تاختند و هر که سرهاشان بود را شاخ می‌زدند. گویا موتورسیکلت هم دوست داشت تادو جوان یاغی را زمین‌بزند. در یک لحظه تعادل موتور از دستشان خارج شد و هر دو زمین خوردند. یکی از آن‌ها ولی قصد ماندن در صحنه را نداشت و فرار کرد. دیگری توان بلند شدن برایش نمانده بود برای همین خودش را تسلیم قانون کرد.

در کلانتری ابتدا حرف نمی‌زد اما سرانجام مقرر آمد و دوستش را لو داد. می‌گفت به تا‌زگی از یکی از شهرهای جنوبی کشور به مشهد آمده و همدستش هم بعد از ساعتی در همان سوئیت در حالی که می‌خواست فرار کند دستگیر شد. هر دو تاکتو به ۷۰ فقره زورگیری، موبایل‌قاپی و سرقت تنها در دوهفته‌ای که به مشهد آمده‌اند اعتراف کردند. سرقت‌هایی که خدا می‌داند حین ارتکابش تاکتو سر چند نفر را خنوب و تن چند نفر را هم زخمی کرده‌اند. با این حال پرونده سارقان جنوبی به دادسرا منتقل شد و خودشان هم راهی زندان شدند.

برداشت دوم

طبق وعده‌شان، قرار بود جوانکی هر روز صبح دنبالش بیاید و آن‌ها را به هفده شهر ببرد. ظهر هم آن‌ها را برگرداند. پول خوبی گیرش می‌آمد. شک برده بود به آن‌ها ولی خروجی زندگی را باید درمی‌آورد. پلیس خودرواش را در همان حوالی میدان هفده شهر پور توقیف کرد و به کلانتری امام رضا(ع) انتقال داد.

مدعی بود که پلیس اشتباهی دستگیرش کرده‌است. آن‌ها چند روز پیش در خیابان آزادی مشهد مردی را زده بودند و موتورش را ربوده بودند. زمانی پلیس به محل رسیده بود که متهمان با موتور دردی گریخته بودند. شاکی اما از ناحیه سرجراحی عمیق و خون‌ریزی شدید داشت و مردم دورش حلقه زده بودند.

شاکی در همان لحظه اولیه به پلیس گفته بود که دو مرد جوان به او حمله کرده و با یک شیء که نمی‌دانست جاقو بوده یا قهقه با جوب به سرش ضربه‌ای زده و موتورش را ربوده‌اند. هنوز زمانی از این سرقت نگذشته بود و می‌شد قبل از اینکه سارقان در عمق شهر محو شوند، آن‌ها را به دام انداخت.

طرح مهار آغاز شد و چند نفر از مأموران کلانتری بانوان مشهد اما چند روز

کلانتری آیکوهم پایشان به این پرونده باز شد. پایش پلیسی آغاز شده بود که رد موتور شاکی در یکی از خیابان‌ها زده شد. سارقان موتور دردی را با سرعت می‌رانند. باید هر طور بود از دید خارج می‌شدند تا آب‌ها از آسیاب بیفتد ولی بخت با آن‌ها یار نبود و مأموران سر رسیدند. مثل گاو اسپانیایی که در معرکه سرنیزه‌ها پرده قرمز دیده باشد، بی‌محبا یا موتور در کوچه و پس کوچه می‌تاختند و هر که سرهاشان بود را شاخ می‌زدند. گویا موتورسیکلت هم دوست داشت تادو جوان یاغی را زمین‌بزند. در یک لحظه تعادل موتور از دستشان خارج شد و هر دو زمین خوردند. یکی از آن‌ها ولی قصد ماندن در صحنه را نداشت و فرار کرد. دیگری توان بلند شدن برایش نمانده بود برای همین خودش را تسلیم قانون کرد.

در کلانتری ابتدا حرف نمی‌زد اما سرانجام مقرر آمد و دوستش را لو داد. می‌گفت به تا‌زگی از یکی از شهرهای جنوبی کشور به مشهد آمده و همدستش هم بعد از ساعتی در همان سوئیت در حالی که می‌خواست فرار کند دستگیر شد. هر دو تاکتو به ۷۰ فقره زورگیری، موبایل‌قاپی و سرقت تنها در دوهفته‌ای که به مشهد آمده‌اند اعتراف کردند. سرقت‌هایی که خدا می‌داند حین ارتکابش تاکتو سر چند نفر را خنوب و تن چند نفر را هم زخمی کرده‌اند. با این حال پرونده سارقان جنوبی به دادسرا منتقل شد و خودشان هم راهی زندان شدند.

برداشت سوم

طبق وعده‌شان، قرار بود جوانکی هر روز صبح دنبالش بیاید و آن‌ها را به هفده شهر ببرد. ظهر هم آن‌ها را برگرداند. پول خوبی گیرش می‌آمد. شک برده بود به آن‌ها ولی خروجی زندگی را باید درمی‌آورد. پلیس خودرواش را در همان حوالی میدان هفده شهر پور توقیف کرد و به کلانتری امام رضا(ع) انتقال داد.

مدعی بود که پلیس اشتباهی دستگیرش کرده‌است. آن‌ها چند روز پیش در خیابان آزادی مشهد مردی را زده بودند و موتورش را ربوده بودند. زمانی پلیس به محل رسیده بود که متهمان با موتور دردی گریخته بودند. شاکی اما از ناحیه سرجراحی عمیق و خون‌ریزی شدید داشت و مردم دورش حلقه زده بودند.

شاکی در همان لحظه اولیه به پلیس گفته بود که دو مرد جوان به او حمله کرده و با یک شیء که نمی‌دانست جاقو بوده یا قهقه با جوب به سرش ضربه‌ای زده و موتورش را ربوده‌اند. هنوز زمانی از این سرقت نگذشته بود و می‌شد قبل از اینکه سارقان در عمق شهر محو شوند، آن‌ها را به دام انداخت.

طرح مهار آغاز شد و چند نفر از مأموران کلانتری بانوان مشهد اما چند روز

کلانتری آیکوهم پایشان به این پرونده باز شد. پایش پلیسی آغاز شده بود که رد موتور شاکی در یکی از خیابان‌ها زده شد. سارقان موتور دردی را با سرعت می‌رانند. باید هر طور بود از دید خارج می‌شدند تا آب‌ها از آسیاب بیفتد ولی بخت با آن‌ها یار نبود و مأموران سر رسیدند. مثل گاو اسپانیایی که در معرکه سرنیزه‌ها پرده قرمز دیده باشد، بی‌محبا یا موتور در کوچه و پس کوچه می‌تاختند و هر که سرهاشان بود را شاخ می‌زدند. گویا موتورسیکلت هم دوست داشت تادو جوان یاغی را زمین‌بزند. در یک لحظه تعادل موتور از دستشان خارج شد و هر دو زمین خوردند. یکی از آن‌ها ولی قصد ماندن در صحنه را نداشت و فرار کرد. دیگری توان بلند شدن برایش نمانده بود برای همین خودش را تسلیم قانون کرد.

شهرآر

روزنامه شهرامید وزندگی

شهرآر ۴شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۹ ۱۸ خرداد ۱۳۹۹ شماره ۲۲۲۲

۱۲



دوستان

عکس ترانین است

جولود

جدول شماره: ۲۹۴۷

پیشرفت آهنگساز پایتخت	چوب خوشبو نامساوی زین و برگ	طلب حاجت از داودن بدگمان	خط کش مهندسی سرشب	اول جوانی تگرگ	لنت بیماری عقاب سیاه اغیار	فضا ییما زیر پامانده صدا	جدید شهر نیروگاه دلیل	نوی در موسیقی سرگرد سابق
امامزاده عبدالستار			فخار خوراکی شکمبه			ادیت آزمون		
اهل شهر زعفران حامی		مامور تشریفات قانون مغولی	هدیه شده هرج و مرج		از القاب فاطمه س» بیماری		دربست کارخانه ام‌الخبائث	
حرف همراهی نجوم	استخوانی در یا رعد			ادم سر طلابی ما فوتبال ما			نامی دخترانه	

نام بارنگر	م	م	ن	س	ج	م	ک	ش	خ	ل	ت	گناه‌دانی از عتبات ابرین
دایانوش کزاندن	ا	م	ر	ا	ر	خ	ا	م	ی	ا	ج	و
گوته‌گوشت واحدی	د	ا	ل	ا	ه	و	ن	و	ن	و	و	ن
پ	ر	س	ا	س	ا	ر	و	ج	س	ن	ع	ا
تشریف‌مطلوبه	ض	ر	ب	ا	ن	ح	ر	ی	ا	ن	ف	شده‌پوری دوش افشار
پ	ا	ا	ن	ی	ا	ب	ف	ن	ت	ا	و	ر
مص	ف	ا										دندان‌جوانان باده
صمیمیت خاک‌سرخ	ر	س										ر
هاله‌چرخش برابری	و	ک										س
ا	ا	ا										ل
س	ن	د										و
ر												س
غ	ف	ا	ر	د	ع	ز	ا	ط	ب	ق	ب	ر
غلتندگیو	ا	ن	ج	ا	م	م	آ	ب	ر	د	ا	ن
پ	ی	د	شمان	م	ق	د	م	ل	ل	ا	م	ل
ت	ن	ا	س	ا	م	ز	ن	د	و	م	ا	ن
ا	ع	ت	م	ا	د	د	ا	حجرات صابان‌ناله	پ	ی	ا	ب
ک	ن	د	و	م	ی	ا	م	ی	و	ا	ا	ت
س	ا	ر	و	ل	ک	ه	ن	د	د	ا	ن	ه

پاسخ جدول ۲۹۴۷

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: امیرعباس واسعی

مخاطبان گرامی نظرات و انتقادهای خود را در خصوص مطالب صفحه حوادث با ما در میان بگذارید

info@shahrara.com
۰۳۰۰۷۲۸۹۰۰
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۰۰
۰۵۱-۳۲۲۸۸۸۸۱-۵